

شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

ماده (۱۲۴): در هر مورد از بزه‌های مندرج در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) این قانون، که مجازات حبس برای آن مقرر شده، نظامی مرتکب از تاریخ صدور کیفرخواست از شغل خود معلق خواهد شد. دادسرا مکلف است صدور کیفرخواست را به سازمان ذی ربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رأی قطعی برائت حاصل کند، ایام تعلیق جز خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

تبصره: فر مانده نیرو یا رییس سازمان مربوط در نیروهای مسلح و مقامات بالاتر نظامی می‌توانند پس از پایان بازداشت موقت یک ماهه، وضعیت «بدون کاری» مذکور در قوانین استخدامی نیروهای مسلح را تا پایان رسیدگی و دادرسی اعمال نمایند.

ماده (۱۲۵): هر نظامی که با سو استفاده از لباس، موقعیت یا شغل خود به جبر و قهر، دیگری را اکراه به معامله مال یا حق خود نماید یا بدون حق، بر مال یا حق دیگری مسلط شود، علاوه بر رد عین، مثل یا قیمت مال یا حق حسب مورد، به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده (۱۲۶): هر نظامی که علناً نشان‌ها و مدال‌ها و علائم و درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی

را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود، بدون مجوز یا بدون حق، استفاده نماید یا از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی خود برای مقاصد غیرقانونی استفاده کند، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود، مگر این که به موجب این قانون و یا قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد که در این صورت به آن مجازات محکوم می‌گردد.

تبصره: استفاده از البسه و اشیاء مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

موضوع ماده (۱۲۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، «تعلیق از شغل» است. «تعلیق» در لغت به معنای بلا تکلیف نهادن یک کار است به نحوی که نغیاً با اثباتاً تصمیمی راجع به آن نگرفته باشد، امر معلق از آن حیث که معلق است، نه معدوم کامل است و نه موجود کامل، بلکه وجودی است ناقص، چنانچه کارمند معلق از خدمت عنوان کارمند را دارد، ولی یک کارمند کامل هم نیست.^(۱) در حقوق اداری، تعلیق از خدمت، وضع مستخدمی است که به موجب حکم مقامات صلاحیت‌دار به لحاظ صدور کیفرخواست مقام قضایی (دادسرا) تا صدور حکم

محمد رضا یزدانیان

مدیر کل حقوقی سازمان قضایی ن.م.

قسمت بیست و نهم

قانون تشدید مجازات ... ضرورتی نداشته است، زیرا در همه موارد مذکور در مواد (۱۱۸) و (۱۱۹) و جرایم قانون تشدید ... مجازات حبس پیش‌بینی شده است.

۳- در تبصره "ه" ماده (۵) قانون تشدید مجازات ... تصریح شده که به ایام تعلیق از خدمت، هیچ‌گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت. اما قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در خصوص دریافت یا عدم دریافت حقوق و مزایا در ایام تعلیق ساکت است ولی در تبصره ماده (۱۲۴) مقرر شده که فرمانده نیرو یا رئیس سازمان مربوط و مقامات بالاتر نظامی می‌توانند پس از پایان بازداشت موقت یک ماهه، وضعیت «بدون کاری» مذکور در قوانین استخدامی نیروهای مسلح را تا پایان رسیدگی و دادرسی اعمال نمایند.

هم‌چنین در بند «الف» ماده (۱۱۵) قانون استخدام ناجا، وضعیت «تعلیق از شغل» از مصادیق بدون کاری محسوب شده است.

در بند «ج» ماده (۱۰۸) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران هم آمده است، افرادی که با قراردادی صادره از مراجع ذی‌صلاح قضایی موقتاً بدون کار شوند، از لحاظ خدمتی بدون کار محسوب می‌شوند. فلذا با استفاده از ملاک مقررات یاد شده، به نظر می‌رسد کارکنان ارتش و سپاه پاسداران نیز همانند کارکنان نیروی انتظامی در مدت «تعلیق از شغل» از حقوق بدون کاری برخوردار شوند.

کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در این مورد چنین اظهار نظر نموده است: «تعلیق از شغل موضوع ماده (۱۲۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، با عنایت به مواد (۱۰۸) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و (۱۱۵) قانون استخدام ناجا، از مصادیق بدون کاری محسوب و برابر مقررات استخدامی مربوط، برای چنین وضعیتی حقوق بدون کاری برقرار می‌گردد.»^(۳)

۴- با توجه به این که تعلیق از شغل یکی از وضعیت‌های خدمتی کارکنان نیروهای مسلح محسوب می‌شود، بنابراین ضمن این که از ادامه خدمت یا اشتغال متهم تا زمان صدور رأی قطعی دادگاه جلوگیری می‌شود، رابطه استخدامی فرد با سازمان متبوع قطع نمی‌شود.^(۴)

شده در صورتی که متهم به موجب حکم قطعی

دادگاه برائت حاصل نماید، ایام تعلیق از خدمت جزو خدمت او محسوب شده و حقوق و مزایای ایام تعلیق از شغل را که نگرفته، دریافت می‌کند و برابر مقررات استخدامی نیروهای مسلح، مدت بدون کاری وی به حالت انتساب تبدیل خواهد شد. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۵۷-۲۰/۲۳/۵/۲۰ اعلام نموده که پرداخت حقوق ایام تعلیق و احتساب آن ایام جزء خدمت با صدور قرار موقوفی تعقیب فاقد مجوز قانونی است.^(۵)

۶- چنان چه دادگاه اتهام اختلاس یا ارتشاء مندرج در کیفرخواست دادسرا را تغییر دهد و اتهام متهم را به عنوان مجرمانه دیگری که وضعیت تعلیق از شغل برای آن در قانون پیش‌بینی نشده، تبدیل نماید، پس از صدور رأی قطعی، با توجه به این که اتهامی که باعث شده، متهم از شغل خود معلق گردد، موضوعاً منتفی شده است، بنابراین باید آثار تبعی و استخدامی تعلیق از شغل نیز منتفی شود و از لحاظ خدمتی با متهم حسب مورد برابر قوانین استخدامی نیروهای مسلح رفتار گردد. به عبارت دیگر در این حالت تغییر عنوان اتهامی متهم، آثار حکم برائت از اتهامی را دارد که در قانون برای آن جرم وضعیت تعلیق از شغل در نظر گرفته شده است.

اما چنان چه دادگاه اتهام را تغییر دهد و عنوان مجرمانه تغییر یافته نیز مشمول مقررات تعلیق از شغل گردد، مانند تبدیل عنوان اتهامی ارتشاء به تحصیل مال از طریق نامشروع یا کلاهبرداری، در این حالت تغییر عنوان مجرمانه تأثیری در وضعیت خدمتی متهم و تعلیق از خدمت ندارد.^(۶)

۷- در جرایم کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع، با توجه به سکوت قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تعلیق از شغل نظامیان تابع مقررات ماده (۷) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری است. در این مورد کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۴/۱۰۸۴-۸۴/۹/۲۳ به شرح ذیل اظهار نظر نموده است:

«با توجه به این که در خصوص جرایم کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و اختلاس باندی در ق.م.ج.ن.م، مقررات خاصی وضع نشده و از ماده (۱۲۴) ق.م.ج.ن.م، نیز عدم اعمال مقررات تعلیق از

شغل نظامیان در خصوص اتهامات مزبور را نمی‌توان استنباط نمود، پس با عنایت به سکوت ق.م.ج.ن.م، و استفاده از ملاک تبصره ماده (۲) قانون مزبور، کلیه ضوابط و مقررات حاکم بر جرایم کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و اختلاس باندی که در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۶۷ پیش‌بینی شده، نسبت به نظامیان نیز لازم‌الاجرا بوده و از این حیث فرقی بین نظامیان و سایر کارکنان دولت وجود ندارد.^(۷)

۸- اعمال مقررات ماده (۱۲۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح یا ماده (۷) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، در مواردی که متهم قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید نیز لازم‌الاجرا می‌باشد، به عبارت دیگر مقررات تعلیق از شغل و تعلیق اجرای مجازات موضوع ماده (۱۲۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح هر یک قلمرو خاص خود را دارند و با یکدیگر قابل جمع می‌باشند. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۹۹-۸۱/۱۲/۷-۸۱/۱۲/۷ در این مورد چنین اظهار نظر نموده است. «اعمال مقررات تبصره "۳" ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبنی بر معافیت مرتکب اختلاس از پرداخت تمام یا قسمتی از جزای نقدی و تعلیق مجازات حبس به عهده دادگاه است. اما طبق مقررات ماده (۷) قانون مرقوم، چنان چه مجازات حبس برای فعل ارتكابی پیش‌بینی شده باشد، به محض صدور کیفرخواست مرتکب باید از شغل خود معلق شود و دادسرا باید این تکلیف را حتی در موارد مشمول تبصره "۳" ماده (۵) که مستلزم ارفاق و تخفیف است، انجام دهد و این دو ماده هر کدام قلمرو اجرایی خاص خود را داشته و تعارضی با یکدیگر ندارند.»^(۸)

۹- اختیار مذکور در تبصره ماده (۱۲۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح از اختیارات خاص فرمانده نیرو یا رئیس سازمان مربوط در نیروهای مسلح و مقامات بالاتر نظامی بوده و قایم به شخص می‌باشد و قابل تفویض به افراد دیگر مانند جانشین یا معاون نیست.

۱۰- ایام تعلیق از شغل پس از صدور کیفرخواست

قابل محاسبه و تهاثر با مجازات انفصال موقت از خدمت نیست.^(۹)

۱۱- عنصر مادی جرم موضوع ماده (۱۲۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، «اکراه دیگری به معامله مال یا حق خود به جبر و قهر و یا تسلط بر مال یا حق دیگری بدون حق» است. از مقررات این ماده به عنوان عنصر قانونی بزه «اخاذی» نیز استفاده می‌شود. اکراه عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل حقوقی مورد نظر اکراه کننده.^(۱۰)

اکراه بیان مرتبه‌ای از اجبار است که در آن حال، شخص به عمل یا ترک عملی وادار شده که از آن کراهت دارد و منشاء این فشار روانی، تهدیدی نامشروع علیه جان و مال و ناموس مکره است.^(۱۱) بعضی از حقوق دانان در تفاوت میل اجبار و اکراه گفته‌اند «آن چه مکره در مورد عمل اکراهی فاقد آن است، رضا و طیب نفس است ولی آن چه مجبور فاقد آن است، قصد و اراده است.»^(۱۲) به موجب مقررات ماده (۲۰۲) قانون مدنی، اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند، به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد، همچنین براساس ماده (۲۰۴) قانون موصوف، تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او، موجب اکراه است. البته مجرد خوف از کسی، بدون آن که از طرف آن کس، تهدیدی شده باشد، اکراه محسوب نمی‌شود.^(۱۳) پس اکراه عاملی است که انسان را به وسیله تهدید یا ارعاب، بر خلاف میل و رضایت خود، مجبور به انجام کاری می‌نماید که این تهدید یا نفسانی است یا تهدید نسبت به عرض و مال و ناموس. در اکراه برخلاف اجبار که در آن قصد و اراده وجود ندارد، قصد و اراده وجود دارد، لکن آزادی اراده نیست و یا اراده معیوب می‌باشد. به عبارت دیگر اراده‌ای که بر انجام عمل گرفته، بر مبنای زور و تهدید است. در ماده (۵۴) قانون مجازات اسلامی نیز، اجبار و اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد، از علل رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. مسلط شدن بر مال یا حق دیگری نیز به معنای وضع ید بر آن است، به نحوی که مرتکب مانند مالک، حق

هر گونه تصرفی را در آن پیدا کند.^(۱۴)

۱۲- معامله در این ماده شامل هر نوع انتقالی می‌شود، خواه این انتقال معوض باشد یا بدون معوض باشد، خواه ارزش عوض با مثن مساوی باشد خواه نباشد، به هر حال تأثیری در موضوع ندارد. به عبارت دیگر معامله در این ماده به معنای اصطلاحی و حقوقی عقد بیع به کار نرفته است و شامل هر نقل و انتقالی که در اثر سوء استفاده از لباس و موقعیت یا شغل نظامی و به جبر و قهر صورت می‌گیرد، اعم از

■ هر نظامی که با سوء استفاده از لباس، موقعیت یا شغل خود به جبر و قهر، دیگری را اکراه به معامله مال یا حق خود نماید یا بدون حق، بر مال یا حق دیگری مسلط شود، علاوه بر رد عین، مثل یا قیمت مال یا حق مسبب مورد، به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود ■

بیع، صلح، هبه و مانند آن می‌گردد، عبارت «معامله حق» که در ماده ذکر شده است، مؤید این برداشت قضایی است.

۱۳- مقصود از حق، نوعی مال است که در مقابل عین، دین، منفعت و انتفاع به کار می‌رود، همان گونه که گویند مالکیت عین، مالکیت دین، مالکیت منفعت، مالکیت انتفاع و مالکیت حق، مانند مالکیت حق خیار و حق تحجیر^(۱۵). در هر حال لازم است که حق موصوف قابل نقل و انتقال باشد و یا دیگری بتواند بر آن سلطه مالکانه پیدا کند، مانند حق اختراع، انتفاع، نشر، حق اکتشاف، حق کسب و پیشه و مانند آن.

۱۴- در اکراه به معامله، لازم نیست که طرف در اثر معامله متضرر شود، حتی اگر به قیمت عادلانه روز نیز مال خود را منتقل کند، موضوع مشمول مقررات ماده

(۱۲۵) می‌گردد، به عبارت دیگر صرف اکراه به معامله با سوء استفاده از لباس یا موقعیت یا شغل جهت تحقق جرم مزبور کفایت می‌کند. اما سوء استفاده از لباس یا موقعیت یا شغل فرد نظامی، شرط ضروری تحقق بزه است. به دیگر سخن صرف «اکراه به معامله» و بدون دخالت دادن موقعیت شغلی فرد، مشمول مقررات ماده نمی‌گردد.

۱۵- لازم نیست که حتماً مال یا حق به فرد اکراه کننده منتقل شود بلکه اگر مرتکب، با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، دیگری را مجبور کند که مال یا حق خود را به شخص ثالثی نیز منتقل کند، موضوع با مقررات ماده (۱۲۵) منطبق است.

۱۶- تسلط بر حق یا مال دیگری من غیر حق، باید توأم با جبر و قهر و با سوء استفاده از لباس یا موقعیت یا شغل فرد نظامی باشد، به عبارت دیگر «جبر و قهر» و «سوء استفاده از موقعیت شغلی» در هر دو جزء عنصر مادی جرم یعنی «اکراه دیگری به انتقال مال یا حق خود» و «تسلط بر مال یا حق دیگری» لازم است. اداره حقوقی قوه قضاییه در این مورد نظر دیگری دارد، براساس نظریه مشورتی شماره ۷/۶۸۳۶-۷۶/۱۱/۴: «قید جبر و قهر که در ماده (۵۸۱) قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح) ذکر شده است، مربوط به خرید مال غیر است و صرف تسلط من غیر حق بر مال غیر، جرم و قابل مجازات است».

هم‌چنین تسلط بر مال یا حق دیگری، باید به گونه‌ای باشد که صاحب مال یا حق از مال یا حق خود محروم شده باشد، در غیر این صورت ممکن است بحث مزاحمت و غیره مطرح شود.^(۱۶)

۱۷- لازمه تحقق جرم اخاذی وجود اجبار و اکراه و تأثیر آن در طرف معامله می‌باشد، بنابراین اگر طرف مقابل بدون هیچ‌گونه تأثیرپذیری از اجبار و اکراه فرد نظامی، اقدام به معامله کرده باشد، موضوع مشمول مقررات این ماده نخواهد شد.^(۱۷)

۱۸- از لحاظ عنصر معنوی، قصد انتفاع نامشروع یا وارد نمودن ضرر به طرف معامله به عنوان سوء نیت خاص لازم نیست، اما مرتکب نظامی باید قصد سوء استفاده از لباس یا موقعیت یا شغل خود را داشته باشد، در غیر این صورت موضوع با مقررات ماده (۱۲۵) قابل انطباق نمی‌باشد. مانند این که فرد نظامی بدون

معرفی خود یا سوء استفاده از موقعیت شغلی دیگری را اگر اکره به فروش مال خود نماید.

۱۹- مال اعم است از مال منقول و غیر منقول و از این حیث تفاوتی جهت شمول مقررات ماده وجود ندارد.

۲۰- در خصوص بزه اخذی در قانون مجازات عمومی، ماده (۲۳۴) ناظر بر این عنوان مجرمانه بود، لکن در قانون مجازات اسلامی و یا قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مقررات مشابه ماده مزبور وجود ندارد، به همین علت از مواد (۵۸۱) قانون مجازات اسلامی و (۱۲۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (تسلط من غیر حق بر مال دیگری) جهت تطبیق موضوع با حکم قانونی استفاده می شود. البته شایان ذکر است که جهت انطباق موضوع با مفاد مواد موصوف، اجتماع شرایط مذکور در مادتين یاد شده مانند اعمال جبر و زور و سوء استفاده از موقعیت شغلی شرط است، در غیر این صورت ممکن است موضوع با مواد دیگری مثل ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی قابل تطبیق باشد.

۲۱- الزام به رد معادل نقدی قیمت مال یا حق، در صورتی است که عین مال تلف شده باشد و حق از بین رفته باشد و قیمت نیز قیمت زمان صدور حکم است و نیازی به تقدیم دادخواست ضرر و زیان از سوی شاکی خصوصی نمی باشد.^(۱۸)

۲۲- موضوع رد عین یا مال یا پرداخت مثل یا قیمت و اجرت المثل، در صورت محکومیت متهم در ماده (۱۳۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز پیش بینی شده است و رسیدگی با شرایط مذکور در ماده موصوف در دادگاه های نظامی، نیاز به تقدیم دادخواست ندارد.

۲۳- عنصر مادی جرم موضوع ماده (۱۲۶) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، از دو قسمت: الف) استفاده غیر مجاز یا من غیر حق از نشان ها، مدال ها، علائم، درجات و البسه رسمی نظامی داخلی یا خارجی.

ب) سوء استفاده از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی برای مقاصد غیر قانونی، تشکیل شده است.

۲۴- استفاده غیر مجاز یا من غیر حق از البسه، نشان ها، مدال ها، درجات و علائم باید به صورت آشکار و علنی و در دید و منظر دیگران باشد، در غیر این صورت مشمول مقررات این ماده نمی گردد. واژه «علن» در قوانین جزایی فعلی تعریف نشده است. در قانون مجازات

عمومی سابق در ماده (۲۱۴) مکرر، اصطلاح «علن» بدین نحو تعریف شده بود: «از نقطه نظر قوانین جزایی (خواه این قانون و خواه قوانین جزایی دیگر) مقصود از ارتکاب عمل بطور علنی، ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از این که محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکانه ای که معد برای پذیرفتن عموم باشد از قبیل حمام های عمومی، قهوه خانه، نمایشگاه و مانند آن».

۲۵- داخلی یا خارجی بودن نشان ها و... تأثیری در موضوع نداشته و مشمول حکم واحد ماده می گردد، لکن رسمی بودن البسه و نظامی بودن آن ها شرط تحقق جرم موضوع این ماده است.

۲۶- صرف استفاده از نشان ها و... جهت تحقق بزه کفایت می کند و از این حیث جرم مقید به حصول نتیجه خاص از قبیل کسب سود و منفعت و مانند آن نیست.

۲۷- منظور از تغییر جزئی که موجب اشتباه گردد، این است که با تغییر صورت گرفته، دیگران درجه یا علامت یا نشان یا مدال تغییر یافته را با اصل آن اشتباه بگیرند مانند این که، فردی درجه ستوان سومی را با تغییر جزئی شبیه درجه سرگردی نماید و از آن استفاده کند.

۲۸- سوء استفاده از لباس، موقعیت، شغل و کارت شناسایی برای مقاصد غیر قانونی، شامل هر امری که برخلاف رویه و مقررات جاری صورت گیرد، می شود، مانند این که فرد نظامی با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود موجبات ثبت نام فرزند خود را در مدارس غیر انتفاعی و یا دولتی نمونه و یا دانشگاه و یا مراکز آموزش عالی نیروهای مسلح، بدون آن که مراحل قانونی شرکت در آزمون ورودی و یا کسب امتیاز قبولی را سپری کرده باشد، فراهم نماید و یا پروانه تأسیس یک شرکت و یا مؤسسه حقوقی را بدون دارا بودن شرایط قانونی، اخذ نماید.

۲۹- ممکن است، مرتکب نفع و یا سودی از سوء استفاده از کارت شناسایی یا موقعیت شغلی خود، کسب نکند، در این صورت نیز مشمول مقررات ماده می گردد. به عبارت دیگر، جرم سوء استفاده از لباس و موقعیت شغلی مقید به حصول نتیجه خاص نیست.

۳۰- منظور از عبارت «مقاصد غیر قانونی» تصریح شده در ماده (۱۲۶) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، هر نوع سوء استفاده از لباس، موقعیت، شغل و

کارت شناسایی است که با قوانین و سایر مقررات موضوعه مانند آیین نامه، دستورالعمل و بخشنامه مغایرت داشته باشد.^(۱۹)

۳۱- استفاده از نشان ها، مدال ها، علائم، درجات و البسه نظامی، در اجرای برنامه ها و نمایش های هنری اعم از فیلم، تئاتر و مانند آن، مشمول مقررات این ماده نمی گردد.

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق.

۲- دلیر، دکتر حمید، جزوه آموزشی اختلاس (تدوین نهایی در گروه پژوهش های قضایی سازمان قضایی ن.م).

۳- نظریه مشورتی شماره ۳۹۲/۳۴-۷/۱۵-۸۴/۴/۱۵.

۴- مجموعه نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی، جلد دوم، ص ۲۴۷.

۵- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، ص ۴۰۴.

۶- مراجعه شود به نظریه مشورتی شماره ۵۹۸۵/۸۷/۳۴-۷/۳۰-۸۷/۲/۳۰ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی ن.م.

۷- نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی ن.م، جلد دوم، ص ۲۴۶.

۸- نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، جلد دوم، ص ۱۵۲.

۹- نظریه مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی ن.م به شماره ۵۲۸۷۳۴/۲/۲-۷/۱۱/۲۱.

۱۰- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق.

۱۱- اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هشتم، ص ۹۱.

۱۲- گرچی، دکتر ابوالقاسم، حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۲۳.

۱۳- ماده (۲۰۸) قانون مدنی.

۱۴- زراعت، دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد ۱، چاپ اول، ص ۴۱۱.

۱۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، منبع پیشین.

۱۶- مالیر، دکتر محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، صص ۲۲۳ و ۲۲۴.

۱۷- رضوی، محمد، حقوق کیفری نیروهای مسلح، ص ۳۵۸.

۱۸- شکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ص ۵۹۳.

۱۹- نظریه مشورتی شماره ۶۲۴۸۹/۲۴-۷/۲/۸۶-۸۶/۱۰/۵ کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی ن.م.